

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۰ می ۲۰۲۱

صد سال سرنوشت خونبار افغانستان!

شاید در صد سال اخیر شهروندان کمتر کشوری در جهان به اندازه مردم افغانستان سرنوشت خونباری را تجربه کرده است. آخرین ترور هولناک و دلخراش روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با ۸ مه ۲۰۲۱ در کابل پایتخت افغانستان روی داد. شمار قربانیان حمله روز شنبه به مدرسه دخترانه‌ای در غرب کابل به ۶۳ نفر رسید. بنا به گزارش‌ها، بیش‌تر قربانیان دختران دانش‌آموزان بودند.



روز شنبه ۱۸ اردیبهشت، حوالی ساعت ۱۶، سه انفجار پی‌درپی میان دانش‌آموزان یک مدرسه دخترانه در غرب کابل رخ داد که در اثر آن، شماری از دانش‌آموزان و مردم محلی که در آن منطقه زندگی می‌کردند یا به آنجا رفت‌وآمد داشتند، کشته و زخمی شدند.

به گفته وزارت کشور افغانستان، این حمله در «دشت‌برچی» میان دانش‌آموزان مدرسه دخترانه به‌وسیله خودرو بمب‌گذاری‌شده و دو مین مغناطیسی انجام شد و بیش از ۱۵۰ نفر از افراد محلی را هم زخمی کرد.

شامحسین مرتضوی، مشاور فرهنگی اشرف غنی، ضمن محکوم کردن این حادثه و مقصر دانستن طالبان، در صفحه فیس‌بوکش نوشت: «دفتر سیاسی طالبان در قطر باید مسدود شود. باید برای تردد رهبران سیاسی طالبان، محدودیت وضع شود. نام فرماندهان جنگی طالبان باید به لیست سیاه اضافه شود.»

مرتضوی می‌گوید: «با بسته شدن دفتر سیاسی طالبان در قطر و محدودیت برای سفر رهبران این گروه، طالبان به نقطه صفر باز خواهند گشت. این گروه تروریستی نباید مشروعیت سیاسی و مصونیت دیپلماتیک داشته باشند.»

مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور افغانستان حمله به دانش‌آموزان مدارس در استان‌های ارغنداب، لوگر، بغلان، غزنی، فراه، هلمند را هم کار طالبان خواند و از همه شهروندان این کشور خواست که در برابر این گروه (طالبان) متحدانه ایستادگی کنند.

طارق آرین، سخنگوی وزارت کشور افغانستان، روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت گفت که احتمالا شمار قربانیان بیش از این هم خواهد بود.

آرین دست داشتن گروه طالبان در این حادثه را تأیید کرد و گفت که این گروه در گذشته هم از این شیوه در حمله به محصلان دانشگاه کابل و استان لوگر استفاده کرده است و طالبان هیچ‌گاه نمی‌توانند از دست داشتن در این رویدادهای خونین اعلام برائت کنند.

هنوز شخص یا گروهی مسؤولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. گروه طالبان در توثیق دست‌داشتن در این اقدامات تروریستی را تکذیب کرد.

ملاله یوسف‌زی، برنده جایزه نوبل، که در سال ۲۰۱۲ طالبان به سرش گلوله زدند، در توثیق با خانواده‌های قربانیان هم‌دردی کرد.

تجربه‌های عینی و تاریخی مردم افغانستان به شدت دردآور و غم‌انگیز است. نسلی که طالبان و امارت طالبانی را به خاطر دارند به خوبی می‌دانند که در صورت تحمیل مجدد طالبان بر جامعه افغانستان، چه آینده‌ای در انتظار آن‌هاست. از همین رو تلاش برای ساده‌سازی هویت سیاسی طالبان و فروکاستن آن‌ها به یک گروه محض اسلامیستی و نیابتی که فقط با نیروهای خارجی مستقر در افغانستان به ویژه آمریکا مشکل سیاسی دارد از خطر سیاسی و اجتماعی پدیده‌ای به نام «طالب» می‌کاهد و امکان قدرت‌گیری مجدد طالبان را افزایش می‌دهد.

بحث بر سر این نیست که طالبان اسلامیست، جنگ‌طلب و یا یک گروه نیابتی نیستند. اتفاقا هر سه این عناصر جز جدائی‌ناپذیر هویت طالبان هستند. طالبان، یک سازمان پیچیده مذهبی است و سطح وابستگی بلندی به سازمان‌ها و شبکه‌های قدرت در کشورهای منطقه دارند. حاکمیت و روایت ایده‌آل اقتدار سیاسی طالبان، توتالیتر، فاشیستی و جهادیستی است. از همین رو تحمیل طالبان به عنوان یک نیروی مسلح تروریستی بر مردم افغانستان نه تنها پایان نزاع خونین کنونی نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تداوم جنگ و گسترش آن در افغانستان و حتی منطقه باشد.

طالبان و آمریکا سال‌هاست که در غیاب مردم افغانستان به یک سازش سیاسی رسیده‌اند، در حالی که طالبان توتالیتر، تمامیت‌خواه، و جنگ‌طلب و به معنای واقعی یک نیروی وحشی و آدم‌خوار است. طالبان جامعه افغانستان را پس از تحولات ۲۰۰۱ و توقعات و انتظارات بحق مردم در مراکز بزرگ شهری همچون کابل، بلخ، پروان، ننگرهار، قندهار و هرات، فرسوده و زخمی کرده است. طالبان بر این باور است که پس از خروج آمریکا و نیروهای ناتو از افغانستان، حکومت کابل سقوط خواهد کرد و طالبان حکمران مطلق و بلامنازع افغانستان شده و قانون شریعت خود را شدیدتر بر جامعه افغانستان اعمال خواهد کرد.

منطق امارت طالبانی، منطق شهروندی نیست. طالبان با مباحثی همچون آزادی، برابری، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی‌های مدنی، حقوق اقلیت مذهبی، مراجعه به آرای عمومی و انتخابات و ... به اندازه فاصله کرات دور است. و در بهترین حالت از آن‌ها، تعاریفی به شدت تقلیل‌گرایانه و اسلامیستی و فاشیستی دارند. در هر حالتی، اگر سازش با طالبان به سرانجام برسد، قطعا از ظرفیت بالقوه تنش و خشونت بر سر چگونگی توزیع اقتدار سیاسی نخواهد کاست. محتوای نشست‌های تاکنون طالبان با مذاکره‌کنندگان آمریکایی و شماری از سیاسیون افغانستان نشان می‌دهد که تعدیلی در دیدگاه‌های سیاسی طالبان و جنگ‌طلبی و تروریسم آن به میان نیامده است.

طالبان مولد اصلی پروژه جنگ و جهاد است که با تجاوز اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و عاملی شد برای پوشش یک بربریت «اسلامیستی» در این کشور! البته تاریخ همه جریان‌های سیاسی افغانستان چه سنی و چه شیعه کمابیش تفکر مشترکی دارند. تشکیلات، روایت و کارنامه امارت اسلامی طالبان بیانگر گرایش‌های ملی - مذهبی این گروه‌هاست. مهم‌تر از همه طالبان کارنامه برخورد غیرانسانی، نابرابر، خشن و خونین با سایر گروه‌های تباری و ملی افغانستان داشته، البته با اذعان این مورد که هم‌تباری‌های پشتون طالبان نیز از ستم طالبانی در امان نبوده‌اند. افغانستان در سال ۲۰۲۰ شاهد تحولات و رویدادهای متنوعی بود. گفت‌وگوهای طالبان و امریکا، توافق اشرف غنی و عبدالله، آزادی زندانیان خطرناک طالبان، آغاز گفت‌وگوهای صلح طالبان با نمایندگان دولت، تشدید انفجارها و ترورها در کشور و ادامه بحران کرونا؛ از جمله رویدادهایی بود که مردم افغانستان با آن‌ها دست به گریبان بود و هنوز هم هست.

در جریان آغاز مذاکرات صلح، دولت افغانستان اعلام و برقراری آتش‌بس را شرط آغاز مذاکرات تعیین کرده بود. از سوی دیگر نیروهای طالبان تاکید داشتند که دولت باید حدود ۵۰۰۰ زندانی آن‌ها را آزاد کند. بر همین اساس یک ماه پیش از آغاز مذاکرات دولت و طالبان، مقامات دولت افغانستان از آزادی نخستین گروه از ۴۰۰ زندانی «خطرناک» طالبان خبر دادند که رهائی آن‌ها از بند قرار است زمینه آغاز گفت‌وگوهای رو در رو برای تحقق صلح در این کشور را فراهم کند. گفتنی است که لویه جرگه مشورتی در کابل یک روز پیش از امضای فرمان آزادی زندانیان «خطرناک» طالبان توسط رئیس جمهوری در جریان نشستی با صدور یک قطعنامه این تصمیم را نهائی کرده بود. در قطعنامه‌ای که اعضای لویه جرگه برای تائید آزادی زندانیان باقی‌مانده طالبان به تصویب رساندند، ضمن تاکید بر دستیابی به «صلح پایدار و با عزت که منجر به امنیت و ثبات در کشور شود»، از این تصمیم به عنوان راهکاری برای «رفع موانع جهت آغاز مذاکرات صلح، قطع خون‌ریزی و رعایت مصلحت و خیر عام» یاد شده است. سرنوشت ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده طالبان یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های گروه طالبان برای شرکت در مذاکرات رو در رو و گفت‌وگوهای بین افغانی برای حصول به توافق صلح عنوان شده است. برخی از این زندانیان با وجود انجام جرائمی نظیر حملات مرگبار که جان بسیاری از شهروندان و نظامیان افغان و نیز نیروهای خارجی را گرفته از زندان آزاد می‌شوند.

در نیمه سپتامبر ۲۰۲۰ نمایندگان دولت افغانستان و گروه طالبان گفت‌وگوهای خود را در دوحه، پایتخت قطر آغاز کردند. نمایندگان دولت افغانستان و هیأت نمایندگی اسلام‌گرایان طالبان بامداد شنبه ۱۲ سپتامبر به دوحه، پایتخت قطر وارد شدند تا در مراسم گشایش «مذاکرات صلح بین‌افغانی» شرکت کنند. عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی صلح افغانستان، که در راس هیأتی ۲۱ نفره به دوحه سفر کرده بود، گفت که این مذاکرات به عنوان لحظه پایان قهر و خشونت وارد تاریخ کشور خواهد شد. او گفت: «ما با حسن نیت به این‌جا آمده‌ایم تا به چهل سال خونریزی پایان دهیم و در سراسر افغانستان صلح پایدار برقرار شود.» هیأت مذاکره‌ای طالبان به ریاست شیخ مولوی عبدالحکیم نیز با ۲۱ نفر در گفت‌وگوها شرکت جسته است. نیروهای طالبان سالیان دراز از مذاکره مستقیم با دولت افغانستان خودداری می‌کردند زیرا آن را «مترسک غرب و امریکا» می‌دانستند. جامعه بین‌المللی و همسایگان افغانستان، از جمله ایران، پشتیبانی خود را از آغاز گفت‌وگوهای دولت افغانستان با طالبان ابراز کرده‌اند. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل این نشست را فرصتی بزرگ برای رسیدن به آرزوی مردم افغانستان در رسیدن به صلح دانست و گفت که خود افغان‌ها باید فضا و روند مذاکرات را تعیین کنند. او افزود که امیدوار است با آغاز مذاکرات آتش‌بس کامل برقرار شود و بیش از این جان غیرنظامیان هدر نرود. این گفت‌وگوها اما در میانه راه و پس از یک ماه متوقف شد و دو طرف برای رایزنی بیشتر

خواستار ادامه مذاکرات در دور دوم شدند، اگرچه تاریخی را برای دور دوم مذاکرات اعلام نکردند، اما همزمان انتظار می‌رود دور دوم این مذاکرات نیز به زودی آغاز شود.

با وجود آن که انتظار می‌رفت که پس از گفت‌وگوهای صلح، ناامنی و انفجارها در افغانستان کاهش یابد، اما این چنین نشد و بعد از امضای توافقنامه صلح، ناامنی در افغانستان ادامه داشته و حتی بیش‌تر هم شده است. بر اساس آمارهای وزارت دفاع ملی افغانستان هم‌اکنون در بیش از ۲۰ ولایت این کشور جنگ‌ها میان نیروهای دولتی و طالبان جریان دارند.

در همین حال که رئیس‌جمهوری افغانستان به دنبال تشکیل دولت و معرفی اعضای کابینه بود، توافقنامه امریکا و طالبان پس از ۱۱ دور مذاکرات رسمی روز شنبه ۱۰ اسفند ماه ۹۸ توسط «زلمی خلیل زاد» و «عبدالغنی برادر» به صورت رسمی امضاء شد.

این توافقنامه میان امریکا و طالبان با حضور نمایندگان و وزیران خارجه ۳۰ کشور منطقه و جهان و همچنین نماینده‌های ویژه برخی کشورها امضاء شد.

وزیر خارجه امریکا در مراسم آغاز امضای توافقنامه گفت که طالبان تعهد کرده‌اند که رابطه خود را با القاعده و تروریست‌ها قطع کنند و ما نیز نظامیان خود را از افغانستان خارج می‌کنیم.

بر اساس این اعلامیه، قرار بود تمامی نیروهای امریکائی که بالغ بر ۱۳ هزار نفر می‌شدند، در مدت ۱۴ ماه افغانستان را ترک کنند. همچنین مقرر شده بود در طول ۱۰ روز پس از امضای توافق صلح امریکا و طالبان، گفت‌وگوها میان گروه‌های افغانستان آغاز شود.

امریکا با ادعای تامین صلح و از بین بردن خشونت‌ها در افغانستان پس از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ وارد این کشور شد اما تاکنون نتوانسته است گام مثبتی در این زمینه بردارد.

سرانجام پس از ماه‌ها گفت‌وگو و تصمیم برای انجام مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان و پس از گذشت ۱۹ سال از آغاز جنگ امریکا در افغانستان و در نوزدهمین سالگرد حمله تروریستی یازده سپتامبر؛ روز شنبه ۲۲ شهریور ۹۹ برای نخستین بار گفت‌وگوهای صلح با طالبان شروع شد.

در این مذاکرات «عبدالله عبدالله» رئیس شورای عالی مصالحه ملی، حنیف اتمر وزیر امور خارجه و سعادت منصور نادری وزیر دولت در امور صلح، در قالب هیأت ۲۱ نفری دولت افغانستان به دوحه عزیمت کردند.

نشست اولیه برای آغاز گفت‌وگوهای بین‌افغانی با حضور مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا، مقام‌های قطری و نمایندگان حدود ۳۰ کشور و سازمان‌های جهانی به صورت حضوری و با آنلاین برگزار شد.

عبدالله عبدالله، هنگام سفر به دوحه در فرودگاه حامدکرزی گفت که امیدوار است آغاز مذاکرات میان افغان‌ها تحول بزرگ و تاریخی باشد.

وی افزود: «نمی‌خواهم نسبت به این مذاکرات بدبین باشم اما دشواری‌ها را هم نباید نادیده گرفت.»

مذاکرات صلح دوحه که چندین بار به علت عدم توافق طرفین بر سر موضوعات گفت‌وگوها متوقف شده است، همچنان بدون دستیابی به نتیجه‌ای در حال تعلیق به سر می‌برد.

دولت افغانستان برای آوردن طالبان پای میز مذاکره در مواضع و خطوط قرمز خود انعطاف نشان داده و در مقابل طالبان از هیچ یک از خواسته‌های خود کوتاه نیامده است. گروه طالبان که هنوز هم بر جنگ پافشاری می‌کنند، با تلاش بی‌حدوحصر دولت افغانستان و امریکا پای میز مذاکره کشانده شدند و این موضوع موجب این ذهنیت میان اعضای رهبری این گروه شده است که می‌توانند با همین روش به تمام خواسته‌هایشان دست یابند.

به نظر می‌رسد که اگر در آینده مذاکرات وضعیت این‌گونه ادامه یابد و طالبان برای قبولاندن خواسته‌های خود به دولت افغانستان این‌گونه ادامه دهد، روند صلح با مشکل مواجه خواهد شد.

هیأت دولت افغانستان و گروه طالبان پس از ۹۳ روز مذاکرات، بر سر دستور کار گفت‌وگوهای صلح توافق کرده‌اند. کنفرانس دو روزه افغانستان ۲۰۲۰ صبح روز دوشنبه ۳ آذر ۹۹ با حضور نمایندگان ارشد ۶۶ کشور و ۳۲ سازمان بین‌المللی به منظور تبیین راهکارهای برقراری صلح، ثبات و توسعه در افغانستان در شهر ژنو آغاز به کار کرد. این کنفرانس از سوی دو دولت افغانستان و فنلاند و سازمان ملل متحد برنامه‌ریزی شد. نشست امسال همچون بیشتر اجلاس بین‌المللی در یک سال گذشته به دلیل بحران کرونا به صورت مجازی تشکیل شده اما مقر ملل متحد در ژنو به عنوان محل اصلی برگزاری این کنفرانس فعال خواهد بود.

در این نشست که وزرای امور خارجه و توسعه فنلاند و همچنین وزرای امور خارجه و دارائی افغانستان حضور داشتند، مسایل مهم این کشور از جمله برقراری صلح و توسعه پایدار مورد بحث قرار گرفت.

این کنفرانس هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود و فرصتی مهم برای دولت کابل و جامعه جهانی است تا درباره اهداف مشترک در زمینه برقراری صلح و توسعه پایدار در افغانستان رایزنی کنند.

تبیین اهداف و دورنمای توسعه افغانستان، سازمان‌دهی همکاری‌های مشترک و اطمینان از حمایت مالی افغانستان در چهار سال آینده هدف اصلی کنفرانس گزارش شده است.

کنفرانس افغانستان چهار سال پیش در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار شد و کشورهای شرکت کننده متعهد شدند که سالانه ۳ میلیارد دلار به توسعه این کشور کمک کنند.

یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاسف بار سال ۲۰۲۰ در افغانستان، حمله به دانشگاه کابل و دیگر مراکز آموزشی این کشور بود. در این حمله بار دیگر دست جنایتکاران تروریست و دشمنان علم و فرهنگ، جوانان آینده‌ساز افغانستان را نشانه گرفت و تعدادی از اساتید و دانشجویان آزاده افغانستان را به خاک و خون کشید.

این جنایت تروریستی و به قتل رساندن تعدادی از نخبگان علمی و دانشگاهی افغانستان، نشانه ترس و حقارت جنایتکارانی بود که صلح و ثبات در افغانستان را هدف گرفته بودند و مرتکب جنایات هولناک علیه مردم ستم دیده افغانستان شدند.

در این حمله تروریستی که ۱۲ آبان‌ماه ۹۹ صورت گرفت، سه مهاجم مسلح با ورود به دانشگاه کابل پس از انفجار بمبی، شماری از دانشجویان این دانشگاه را به رگبار بستند که در پی این حادثه ۲۲ تن از دانشجویان کشته و افزون بر ۴۰ نفر نیز زخمی شدند.

همچنین در حادثه تروریستی دیگری سه مهاجم مسلح بامداد ۲۳ اردیبهشت ماه به بیمارستان دشت برچی کابل حمله کردند و پس از چهار و نیم ساعت درگیری با نیروهای امنیتی افغان کشته شدند.

در نتیجه این حمله ۱۳ نفر کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شدند که زنان، نوزادان و کودکان نیز میان آنان بودند. همچنین در نتیجه یک حمله انتحاری در همان روز به یک مراسم تشییع جنازه در ولایت ننگرهار ۲۴ تن کشته و ۶۸ تن دیگر زخمی شدند.

همه‌گیری کرونا در افغانستان به مانند دیگر کشورها در سال ۲۰۲۰ یکی از مشکلات عمده این کشور بود. جالب‌توجه‌ترین مسأله درباره مرکز اصلی درمان کووید ۱۹ در افغانستان، فقدان تدابیر اساسی برای جلوگیری از گسترش کووید ۱۹ است. در واقع در افغانستان به عنوان کشوری آشنا با تراژدی و جنگ، شیوع کرونا تا حدی با بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری مواجه شده است اما آمار و ارقام همچنان در حال بالا رفتن است. با فقر گسترده و نبود نظام

رفاهی برای حمایت از مردم، اکثریت بزرگی از مردم افغانستان قادر به دنبال کردن تغییرات رفتاری و سبک زندگی توصیه شده و موثر برای مهار شیوع کرونا در نقاط دیگر جهان نیستند. این شاید بزرگترین چالش رویاروی مقامات بهداشتی در افغانستان است. اعتقادات مذهبی فراتر از توصیه‌های پزشکی و تمایل فرهنگی به قضا و قدر نیز به رویکردی در برخورد با شیوع کرونا منجر شده که در بهترین حالت پراگماتیک و در بدترین حالت تسلیم‌گرایانه است. بسیاری از افغان‌ها با علائم بیماری ترجیح می‌دهند که به انتظار پایان بیماری بنشینند به جای این‌که ریسک سرزدن به شفاخانه و انتظار طولانی برای نتایج را قبول کنند. برخی دیگر نیز به گفته سلطانی به طور کلی قید درمان را می‌زنند چون هراس دارند اگر بمیرند جسد آن‌ها برده می‌شود و از کفن و دفن اسلامی محروم می‌شوند. در مناطق روستایی که دسترسی به اطلاعات و مراقبت‌های درمانی محدود است، توصیه‌های بهداشتی تاحد زیادی نادیده گرفته می‌شود. به علت ظرفیت پائین تست کرونا، افراد جامعه و روزنامه‌نگاران به شاخص‌های روائی برای سنجش شدت بیماری و تلفات روی آورده‌اند. در گزارش‌ها به نقل از یک گورکن ذکر شده که پیش از کرونا روزانه هفت یا هشت قبر حفر می‌کرد اما این تعداد الان به ۲۰ رسیده است. این در حالی است که در مقایسه با بسیاری از کشورها، دولت افغانستان تدابیر برای مهار شیوع کرونا را به سرعت اجرا کرد. اما تعداد کمی از افغان‌ها می‌توانند حتی با وجود افزایش ابتلا به کرونا دست از کار و کسب خود بکشند. یک سخن‌گوی برنامه جهانی غذا در افغانستان در ماه می گفت که ۴۴ درصد از همه افغان‌ها - بیش‌تر از ۱۶ میلیون نفر - وابسته به وسایل امرار معاش ناپایداری هستند که به علت شوک‌های ناشی از کرونا دچار اختلال خواهد شد. در حال حاضر به علت مشکلات اقتصادی بسیاری از ممنوعیت‌ها و تدابیر جلوگیری از شیوع کرونا فراموش شده است. در شهر کابل دستفروش‌هایی که اوایل هراس از کرونا در ماه مارس اقدام به فروش ماسک و دستکش کردند اکنون دوباره به فروش عینک آفتابی و لوازم جانبی موبایل رو آورده‌اند.

در چنین وضعیتی، نیروهای ناتو پس از حدود ۲۰ سال استقرار در افغانستان، عملیات خروج از این کشور را آغاز کرده‌اند. تا آخرین مرحله از این عملیات که در سپتامبر سال جاری میلادی خواهد بود، ۱۰ هزار سرباز ناتو افغانستان را ترک می‌کنند.

خروج نیروهای ناتو از افغانستان از امروز اول ماه مه رسماً آغاز شده است، اگر چه ناتو از چند هفته پیش انتقال بخشی از تجهیزات و وسایل خود از این کشور را به جریان انداخت.

در این اواخر ۳۶ کشور عضو ناتو و همپیمانانش در حضور نظامی در افغانستان شرکت داشتند. قرار است تا آخرین مرحله از خروج نیروهای ناتو از افغانستان در ماه سپتامبر سال جاری میلادی ۱۰ هزار سرباز که وظیفه آموزش نیروهای افغان را بر عهده داشته‌اند، این کشور را ترک کنند، از جمله ۲۵۰۰ سرباز از آمریکا و حدود ۱۱۰۰ سرباز از آلمان.

خروج نیروهای ناتو از افغانستان تحت تدابیر شدید امنیتی و استقرار سلاح‌های سنگین انجام می‌گیرد. وظیفه محافظت از عملیات خروج نیروهای آلمان از افغانستان را واحدی متشکل از نیروهای ویژه برعهده دارد.

ناتو اعلام کرده که امنیت نیروهای این پیمان از بالاترین درجه اولویت برخوردار است و از این رو جزئیاتی در باره کم و کیف عملیات خروج، از جمله در مورد شمار سربازان و جدول زمانی خروج یکایک کشورهای عضو این پیمان منتشر نشده است.

کارشناسان نظامی احتمال می‌دهند که نیروهای ناتو در جریان عملیات خروج از افغانستان مورد حملات ستیزه‌جویان طالبان قرار گیرند. مقامات ناتو اعلام کرده‌اند که هر گونه حملات طالبان در حین خروج از افغانستان را «با واکنشی قاطع» پاسخ خواهند داد.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا اواسط ماه آوریل اعلام کرد که تا تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ تمامی نیروهای امریکائی از افغانستان را خارج خواهد کرد.

ناتو نیز در پی انتشار این تصمیم اعلام کرد که به حضور نظامی خود در افغانستان پایان خواهد داد. به این ترتیب استقرار سربازان ارتش آلمان در افغانستان نیز پایان میابد. این تا کنون پرهزینه‌ترین و پرتلفات‌ترین عملیات ارتش آلمان بوده است.

۵۹ سرباز آلمانی در جریان حضور نیروهای این کشور در افغانستان جان خود را به ویژه در حملات و سوءقصد ها از دست دادند. هزینه حضور سربازان آلمانی در افغانستان در چارچوب عملیات ناتو نیز بر ۱۲ میلیارد یورو بالغ می‌شود. ظاهراً وظیفه ناتو در سال‌های اخیر به ویژه آموزش سربازان و نیروهای افغان بوده است.

خروج نیروهای ناتو از افغانستان واکنش‌های متفاوتی را در بین شهروندان این کشور به دنبال داشته است. رسانه‌های محلی از شادی بخشی از شهروندان می‌گویند که از این مسئله خشنودند و این روز را به مثابه «روز استقلال» می‌دانند. این رویداد اما در برخی دیگر ترس و وحشت برانگیخته است. به ویژه قشر تحصیل‌کرده و مرفه که میانه‌رو و آزاداندیش هستند، در صدد هستند، افغانستان را ترک کنند. آنان از روی کار آمدن دوباره طالبان و آغاز جنگ داخلی تازه‌ای در کشورشان واهمه دارند.

اکثر نخبگان سیاسی در افغانستان تصریح کرده‌اند که «خروج مسئولان» نیروهای خارجی از افغانستان را شایسته‌تر می‌دانند. منظور آنان تصمیم ایالات متحده به بازگرداندن سربازان امریکائی است که در نهایت خروج کل نیروهای ناتو را به جریان انداخته است.

به باور آنان نیروهای ناتو می‌بایست منتظر نتیجه مذاکرت صلح میان دولت افغانستان و طالبان می‌ماندند؛ مذاکراتی که از سپتامبر سال گذشته میلادی آغاز شده، اما به ویژه در دوران اخیر بسیار به کندی پیش می‌رود. البته خروج نیروهای ناتو از افغانستان در نهایت آزمونی برای خود نیروهای امنیتی افغان است که آیا بدون پشتیبانی مستقیم نیروهای خارجی قادر به دفاع از دولت کشورشان هستند یا نه.

در ماه‌های اخیر حملات ستیزجویان طالبان به پاسگاه‌ها و تاسیسات نیروهای امنیتی افغان افزایش یافته است. ژنرال فرانک مک کنزی، فرمانده سنتکام (ستاد فرماندهی کل نیروهای ارتش آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا)، ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۲ آوریل ۲۰۲۱ ابراز نگرانی کرده بود که ارتش افغانستان بدون حمایت آمریکا دچار فروپاشی می‌شود.

رئیس مجلس افغانستان نیز هشدار داد که خروج عجلانه نیروهای امریکائی و ناتو می‌تواند خطر تکرار جنگ‌های داخلی در این کشور را به همراه داشته باشد.

شایان ذکر است که در حدود سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ میلادی و در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان، زمزمه تشکیل گروهی متشکل از طلبه‌های دینی در مدارس تحت حمایت عربستان در پاکستان شنیده شد. این گروه نام تحریک اسلامی طلبا (جنبش اسلامی طالبان) بر خود گذاشت و با شعار «اجرای شریعت اسلامی» و مقابله با آن چه شر و فساد در افغانستان می‌خواند از مرز جنوبی به افغانستان رخنه کرد و به سرعت شهرها و ولایت‌های مختلف را درنوردید.

در میانه آن دهه، یعنی در سال ۱۹۹۵، طالبان به بزرگترین پیروزی خود تا آن زمان دست یافت و موفق شد ولایت استراتژیک هرات در مرز ایران و ترکمنستان را تسخیر کند.

یک سال بعد در ۱۹۹۶، آن‌ها موفق شدند پایتخت، کابل، را تسخیر کنند. برهان‌الدین ربانی، رئیس وقت دولت مجاهدین، با سقوط کابل، مقر دولتش را به مزارشریف منتقل کرد که آنجا هم اندکی بعد سقوط کرد.

یکی از اولین کارهایی که طالبان در پایتخت انجام دادند، کشتن محمد نجیب‌الله، آخرین رئیس‌جمهور حکومت تحت حمایت شوروی بود که به دفتر سازمان ملل متحد پناهنده شده بود.

تا سال ۱۹۹۸، طالبان تقریباً بر ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یافته بود و نیروهای ائتلاف ضد طالبان، موسوم به ائتلاف شمال، به فرماندهی احمدشاه مسعود همچنان به مقاومت در پنج‌شیر و شمال شرق کشور ادامه می‌دادند.

طالبان در مناطق تحت کنترل خود، نسخه سختگیرانه‌ای از شریعت اسلامی را پیاده کرد. زن‌ها اجازه کار و آموزش یا بیرون رفتن از خانه بدون همراهی یک عضو مرد خانواده نداشتند. مردان باید لباس محلی می‌پوشیدند و ریش انبوه می‌گذاشتند و موهای‌شان را کوتاه می‌کردند. تلویزیون، سینما، تئاتر، موسیقی و عکاسی ممنوع بود. تقویم افغانستان از هجری خورشیدی به هجری قمری تغییر کرده بود، و مجازات‌های خشنی مانند قطع دست و سنگسار انجام می‌شد.

در سال ۱۹۹۸ و در پی بمب‌گذاری شبکه القاعده در دو سفارت امریکا در شرق آفریقا، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت امریکا دستور داد کمپ‌های آموزشی القاعده در ولایت خوست افغانستان هدف حمله هوایی قرار گیرد؛ حمله‌ای که آسیبی به اسامه بن لادن و دیگر رهبران القاعده نرساند.

در سال ۲۰۰۰، فشارهای امریکا به طالبان برای تحویل دادن رهبران القاعده شدت یافت و سازمان ملل متحده این گروه را تحریم کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۱، طالبان دو پیکره تاریخی بودا در بامیان را منفجر کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۱، دو عضو گروه القاعده، متحد طالبان، احمدشاه مسعود، فرمانده ارشد ائتلاف شمال را در ولایت تخار ترور کردند؛ واقعه که به شدت باعث کاهش روحیه نیروهای مخالف طالبان شد.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ورق به زیان طالبان برگشت. القاعده که طالبان به رهبرانش پناه داده بود و حاضر به تحویل دادن آن‌ها نبود، با هواپیماهای مسافربری ربوده شده، به اهدافی در نیویورک و واشنگتن حمله کرد و هزاران نفر را کشت.

یک ماه طول نکشید که امریکا در راس ائتلافی از کشورهای متحدش، به طالبان حمله کرد و تا هفته اول دسامبر ۲۰۰۱، این گروه از قدرت ساقط شد.

با وجود عملیات گسترده جست‌وجو، امریکا و متحدانش موفق به دستگیری رهبران عمده گروه طالبان، از جمله ملا محمد عمر نشدند و آن‌ها بر اساس گزارش‌ها به کویته پاکستان گریختند و از آن‌جا به هدایت گروه طالبان ادامه دادند.

در سال‌های اولیه پس از سقوط طالبان، آرامش نسبی به افغانستان بازگشت، اما در طول سال‌های بعد، و بیش‌تر بعد از ۲۰۰۶، حملات و بمب‌گذاری‌های طالبان بیش‌تر و پیچیده‌تر شد و کمتر جایی در افغانستان از گزند این حملات در امان ماند، حتی ارگ ریاست جمهوری، وزارت‌خانه‌ها و مقر نیروهای ناتو در افغانستان هم هدف حمله طالبان قرار گرفت. حکومت افغانستان مدعی است که مدارس مذهبی در پاکستان محلی برای سربازگیری و آموزش بازگشت شورش طالبان به افغانستان است.

کار به جایی رسید که امریکا که می‌گفت با هدف حذف طالبان و حمایت و تقویت دموکراسی به افغانستان آمده، پذیرفت با این گروه سر میز مذاکره بنشیند و سرانجام در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰، توافق صلح طالبان و امریکا بر مبنای خروج نیروهای خارجی از افغانستان و رفتن به طرف مذاکرات بین‌الافغانی امضاء شد.

شروط عمده‌ای که امریکا در این توافق بر آن تاکید داشت، فاصله گرفتن طالبان از گروه‌های مانند داعش و القاعده و تهدید نکردن منافع امریکا بود؛ دیگر موارد، از جمله نوع نظام افغانستان، سرنوشت ارتش و نهادهای انتخابی، قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های مردم این کشور، به مذاکرات بین‌الافغانی موکول شد که اکنون در قطر آغاز می‌شود.

در جنگ ۲۰ ساله افغانستان، موارد متعدد نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت رخ داده که هرگز در دادگاه بین‌المللی کیفری به آن‌ها رسیدگی نشده است. هرچند افغانستان از سال ۲۰۰۳ و براساس توافق‌نامه رم، در دیوان جزائی بین‌المللی عضو شد، اما به دلایل فنی و سیاسی، هیچ یک از عوامل نقض حقوق بشر در افغانستان، در این دادگاه محاکمه نشده‌اند.

وزارت خارجه افغانستان اکنون اعلام کرده است: «دو طرف روی همکاری‌های متقابل برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی، جلوگیری از معافیت و وقوع جرم در آینده و کمک در راستای پایان جنگ و کشتار در افغانستان و تامین آتش‌بس و صلح پایدار، با جزئیات گفت‌وگو و مذاکره کردند.»

دیوان بین‌المللی کیفری، صلاحیت دارد به کشورهای عضو خود در زمینه پیگیری و محاکمه جرائم بین‌المللی از جمله نسل‌کشی، جنایات ضدبشریت، جرائم جنگی کمک کند.

نهادهای حقوق بشری افغانستان و دولت این کشور بارها گفته‌اند که در این کشور، مصداق‌های عینی فراوانی وجود دارد که می‌تواند با معیارهای بین‌المللی مورد پیگرد قرار گیرد. دیوان بین‌المللی کیفری، ده‌ها مورد شکایت در مورد تخطی آشکار از حقوق بشر و ارتکاب جرائم جنگی در افغانستان، دریافت کرده و اکنون به دنبال جمع‌آوری اسناد و مدارک برای تکمیل تحقیقات است.

اگر هیأت دولت افغانستان و دیوان بین‌المللی بتوانند در این زمینه پیشرفت داشته باشند، در موضوع حمایت از حقوق بشر و محاکمه عاملان جنایت بشری، دستاورد مهمی حاصل خواهد شد.

شرایط جنگی افغانستان پیچیده است و بسیاری از افراد و گروه‌های متهم به جنایت علیه بشریت، بدون هیچ پیگرد قانونی در آن‌جا فعالیت دارند.

مردم افغانستان بسیار رنج‌دیده و سخت‌کوش هستند و در این میان به زنان افغان آسیب‌های زیادی تحمیل شده است حتی دولت مورد حمایت غرب نیز توجهی چندانی به امنیت و اشتغال زنان به ویژه فعالین فرهنگی و رسانه‌ای نکرده است. اخیراً نهاد «بانوان خبرنگار» افغان با هدف بررسی وضعیت کاری خبرنگاران زن در حوزه غرب افغانستان تحقیق تازه‌ای را انجام داده و نشان می‌دهد که فعالیت حرفه‌ای خبرنگاران زن در حوزه غرب این کشور محدود شده و شرایط برای آن‌ها «ناراحت‌کننده» است.

در این تحقیق با ۹۰ خبرنگار و فعال رسانه‌ای زن در ولایت‌های هرات، فراه، غور و بادغیس مصاحبه شده که آن‌ها در ۴۵ رسانه از جمله رادیو، تلویزیون و وبسایت در بخش‌های مدیریت، اجرا، امور فنی، گزارشگری و کارهای گرافیکی به گونه رسمی و غیر رسمی فعالیت دارند.

در این تحقیق آمده است که از مجموع خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای زن نزدیک به ۵۳ درصد کار آموز و ۴۷ درصد کارمند رسمی می‌باشند.

در هفت رسانه دیداری و شنیداری در ولایت‌های غور، فراه و هرات هیچ خبرنگار زن استخدام نشده است. براساس این تحقیق، عدم دسترسی به اطلاعات، تبعیض جنسیتی، توهین و تحقیر توسط همکاران مرد، حقوق کم، نبود امنیت شغلی، عدم امنیت و جامعه سنتی از جمله مشکلات برای خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای زن در حوزه غرب افغانستان عنوان شده است.

مسئولان این تحقیق می‌گویند که بیش‌تر زنان به عنوان کارآموز کار می‌کنند. حتی یک زن در ولایت غور ۹ سال است که به این عنوان کار می‌کند و هنوز به عنوان کارمند رسمی استخدام نشده است.

۲۳ درصد از اشتراک‌کنندگان گفته‌اند که برای سومین بار به عنوان کارآموز در رسانه‌های غرب افغانستان کار کرده‌اند. بی‌باوری به توانایی آنان، تبعیض، کمبود بودجه و آموزش از جمله دلایلی هستند که خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای زن را ناچار ساخته که به طور مکرر فقط به عنوان «کارآموز» فعالیت کنند. ۷۸ درصد آن‌ها گفته‌اند که در این مدت هیچ امتیازی دریافت نکرده‌اند.

۶۷ درصد اشتراک‌کنندگان در این تحقیق گفته‌اند در رسانه‌ای که کار می‌کنند با تبعیض جنسیتی روبرو شده‌اند. مسئولان این تحقیق گفتند که در ولایت‌های غور و بادغیس هیچ زنی در مقام خبرنگار، کار میدانی نمی‌کند و اکثر زنان در رسانه‌های شنیداری شاغل‌اند. به دلیل تهدیدات امنیتی و سنت‌های جامعه، آنان اجازه فعالیت در رسانه‌های دیداری را ندارند.

مسئولان نهاد «بانوان خبرنگار» از نهادهای حامی خبرنگاران خواسته‌اند به مشکل خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای زن در حوزه غرب افغانستان رسیدگی کنند.

این تحقیق در شرایطی صورت گرفته که افغانستان هنوز هم یکی از خطرناک‌ترین و ناامن‌ترین کشورهای جهان برای خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای است.

طالبان، گروه اصلی شورشی که دارای شصت هزار نیروی تخمینی است، حالا به بیش‌ترین مناطق در قلمرو افغانستان که از زمان رانده شدن شان از قدرت به وسیله ائتلاف به رهبری امریکا در سال ۲۰۰۱ تا کنون سابقه نداشته است، دست یافته‌اند.

با وجود حمایت مالی و نظامی امریکا از دولت کابل، درگیری و جنگ، هم بیش‌تر شده و هم شکل پیچیده‌تری پیدا کرده است.

چنین حدی از مقابله با دولت، نیاز به منابع بزرگ مالی در داخل افغانستان و خارج از آن دارد. ردیابی کردن منابع درآمد طالبان اغلب بر حدس و گمان‌ها استوار است و این گروه شورشی که فعالیت‌هایش مخفیانه است، حساب‌های مالی خود را منتشر نمی‌کند.

اما دریافت‌ها از مصاحبه‌های بی‌بی‌سی که در داخل و خارج از افغانستان انجام شده نشان می‌دهد که این گروه برای تامین مخارج عملیاتش، یک شبکه پیچیده مالی و سیستم کسب مالیات دارد.

تخمین زده می‌شود که درآمد سالانه این گروه از سال ۲۰۱۱ به بعد ۴۰۰ میلیون دالر امریکائی بوده. اما باور بر این است که در سال‌های اخیر این رقم تا یک و نیم میلیارد دالر افزایش داشته است.

دولت‌های افغانستان و امریکا به دنبال محدود کردن شبکه‌های مالی طالبان بوده‌اند. سال ۲۰۱۷، ارتش امریکا با بمباران کردن آزمایشگاه‌هایی که از آن‌ها برای تولید مواد مخدر استفاده می‌شود، راهکار جدیدی را در پیش گرفت. با این حال، درآمد طالبان از منابع دیگر بیش‌تر از چیزی است که از ناحیه تجارت موارد مخدر به دست می‌آورند. سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ علیه این تصور عمومی که اقتصاد مبتنی بر تریاک منبع اصلی درآمد طالبان است، هشدار داد.

افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در جهان است. صدور سالانه فرآورده‌های تریاک به ارزش تخمینی ۱.۵ تا ۳ میلیارد دالر امریکائی، که بخش بزرگی از هروئین قاچاقی در جهان را تامین می‌کند، یک تجارت سودآور است. هرچند در برخی مناطق تحت کنترل دولت نیز خشخاش کاشته می‌شود اما اکثر مزارع تریاک در ساحاتی است که طالبان در آن‌ها حاکمیت دارند و باور‌ها بر این است که چنین مزارعی منبع مهمی برای درآمد طالبان است.

طالبان از ناحیه مقرر کردن مالیه در مراحل مختلف این روند، پول دریافت می‌کنند. آن‌ها از مزرعه‌داران خشخاش ده درصد مالیه دریافت می‌کنند.

همچنین از آزمایشگاه‌هایی که در آن‌ها تریاک به هروئین تبدیل می‌شود و نیز از کسانی که مواد مخدر قاچاق می‌کنند مالیه گرفته‌شود.

برآورد شده که سهم سالیانه طالبان از تجارت غیرقانونی مواد مخدر، بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دالر است. ارتش امریکا می‌گوید ۶۰ درصد درآمدهای طالبان از ناحیه مواد مخدر تامین می‌شود. امریکا مدعی شده که تا ماه اوت یا آگوست ۲۰۱۸، در حدود ۲۰۰ آزمایشگاه مواد مخدر را تخریب کرده؛ تخمین زده شده که ۴۰۰ تا ۵۰۰ آزمایشگاه در افغانستان وجود دارد که قریب به نیمی از آن‌ها در ولایت جنوبی هلمند فعال است. همچنین ادعا شده که در اثر حملات هوایی، نزدیک به یک چهارم درآمدهای که طالبان از ناحیه تجارت تریاک داشتند، نابود شده است.

اما اثرات درازمدت این حملات تا کنون روشن نیست. حتی وقتی آزمایشگاه‌ها تخریب شوند، به زودی با پول کمی قابل بازسازی‌اند.

شبکه مالی طالبان گسترده‌تر از دریافت مالیات از تجارت مواد مخدر است. بی‌بی‌سی در یک گزارش تحقیقی که اوایل ۲۰۱۸ میلادی منتشر شد، دریافته که گروه طالبان در ۷۰ درصد قلمرو افغانستان حضوری فعال دارد و در پی اعمال سیستم مالیاتی خود در این مناطق است.

کمیسر مالی طالبان در نامه‌ای سرگشاده که اوایل امسال منتشر کرد و بی‌بی‌سی هم آن را دیده، از تاجران افغان خواست هنگام انتقال امتعه شان از محل‌های تحت کنترل آنان، حتما مالیه بپردازند.

این گروه همچنین از شرکت‌های مخابراتی و اپراتورهای تلفن همراه درآمدهای مالیاتی حاصل می‌کند. رئیس شرکت برق افغانستان اوایل امسال به بی‌بی‌سی گفت که طالبان همه ساله از راه صدور صورت حساب برای مصرف‌کنندگان برق در بخش‌های مختلف کشور، بیش از ۲ میلیون دالر به دست می‌آورد.

درگیری‌ها نیز برای طالبان یک منبع درآمد مستقیم محسوب می‌شود. هر باری که آنان یک پاسگاه نظامی یا مرکز شهری را تصرف می‌کنند، هرچه پول، اسلحه، ماشین و وسیله نقلیه زرهی که به دست شان بیفتد برمی‌دارند. افغانستان از مواد معدنی و سنگ‌های قیمتی غنی است که بخش اعظم آن در اثر ادامه جنگ‌ها استخراج نشده باقی مانده است. صنعت معدن در این کشور دارای ارزش تخمینی حداقل یک میلیارد دالر است.

بیشتر فعالیت‌ها در زمینه استخراج معادن در مقیاسی کوچک‌تر و اغلب به صورت غیرقانونی انجام می‌شود. وقتی طالبان کنترل مناطق معدنی را در دست می‌گیرند، بدون توجه به قانونی یا غیرقانونی بودن عملیات استخراج، از استخراج کنندگانی که مشغول کارند پول می‌گیرند.

در یک گزارش سازمان ملل که در سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر شده آمده است که طالبان از ۲۵ تا ۳۰ مورد عملیات غیرقانونی کاوش معادن که در ولایت جنوبی هلمند انجام می‌شود، سالیانه بیش از ۱۰ میلیون دالر به دست می‌آورد. نگاهی به رفتار طالبان در ولایت شرقی ننگرهار، از نحوه کار آنان پرده برمی‌دارد. والی این ولایت به بی‌بی‌سی گفت که در حدود نیمی از درآمدهای معادن در ساحه تحت کنترل آنان، یا در اختیار گروه طالبان قرار می‌گیرد و یا هم در اختیار گروه داعش.

او گفت روزانه صدها کامیون از این ولایت خارج می‌شوند و طالبان یا داعش از هر کامیونی که ننگرهار را ترک می‌کند، تا ۵۰۰ دالر می‌گیرند.

به گفته خود طالبان، تاجران محلی و مقام‌های دولتی افغان که ما با آنها صحبت کردیم، در حال حاضر گروه طالبان سالانه بیش از ۵۰ میلیون دالر امریکائی از ناحیه فعالیت‌های مرتبط با معادن که در سراسر این کشور انجام می‌شود، درآمد کسب می‌کنند.

مدت‌هاست چندین مقام افغان و امریکائی، چند کشور منطقه از جمله پاکستان، ایران و روسیه را به ارسال پول و دیگر کمک‌ها به طالبان افغان متهم کرده‌اند، و این کشورها پیوسته چنین ادعاهائی را رد کرده‌اند. شهروندان کشورهای پاکستان و چندین کشور خلیج از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر بزرگترین تمویل کنندگان طالبان دانسته شده‌اند.

دانستن مقدار دقیق پولی که از این کشورها می‌رسد ناممکن است، اما روشن است که بخش قابل توجهی از درآمدهای طالبان از همین ناحیه تامین می‌شود و بر مبنای اظهارات کارشناسان و مقام‌های رسمی، می‌تواند رقمی به درشتی ۵۰۰ میلیون دالر امریکائی در سال باشد.

چنین ارتباطاتی دارای سابقه طولانی است. در یک گزارش محرم سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) برآورد شده که گروه طالبان در سال ۲۰۰۸ میلادی ۱۰۶ میلیون دالر از منابع خارجی، به ویژه از کشورهای خلیج، دریافت کرده است.

اکنون تاکید شهروندان افغانستان و شماری از سیاستمداران افغان بر بسته شدن دفتر سیاسی طالبان در قطر، در حالی صورت می‌گیرد که این گروه هنوز از جنگ، کشتار و حملات انتحاری و انفجاری در این کشور دست برنداشته‌اند و آمادگی خود برای مذاکرات صلح بین‌افغانی را هم اعلام نکردند. آنان فقط برای جنگ و امتیازگیری بیش‌تر تلاش می‌کنند و می‌جنگند و می‌خواهند از راه نظامی، قدرت در افغانستان را به دست بیاورند.

طالبان پس از شکست در افغانستان، امکانات خود را از دست داده بودند. نیروهای آن پراکنده شدند و با مرگ رهبرشان ملا محمد عمر، هرچه بیش‌تر منزوی شدند. رهبران‌شان در بعضی از کشورهای خارجی همچون ایران مخفیانه زندگی می‌کردند. اما با سپری شدن چند سال از شکست، دوباره در گوشه‌وکنار افغانستان جنگ را از سر گرفتند، به سربازگیری پرداختند و مدتی نگذشت که قدرت نظامی‌شان را با حمایت کشورهای خارجی دوباره به دست آوردند و جنگ‌های خونین و حملات انتحاری و انفجاری در افغانستان را آغاز کردند. در نهایت هم صاحب دفتری سیاسی در دوحه قطر شدند.

در روزهای نخست، افتتاح دفتر سیاسی طالبان در قطر با واکنش‌های مثبت و منفی شهروندان و سیاستمداران افغان روبه‌رو شد. شماری از آنان بر این باور بودند که حالا، طالبان واقعیت جامعه افغانستان است و برای پایان جنگ و تامین صلح، باید با آنان گفت‌وگو کرد. اما شماری دیگر از افغان‌ها می‌گفتند که دفتر سیاسی طالبان در قطر دوباره به آنان هویت و حقانیت بخشید تا به جنگ و کشتار ادامه دهند. اما کشورهای خارجی که در جنگ و صلح افغانستان دست داشتند و دارند، به صدای منتقدان به افتتاح دفتر سیاسی طالبان گوش نکردند و از باز شدن دفتر سیاسی طالبان استقبال کردند.

حالا بار دیگر صدای درخواست مردم و سیاستمداران افغانستان برای بسته شدن دفتر سیاسی طالبان در قطر و وضع محدودیت‌ها بر رهبران این گروه بلند شده است. کشورهای خارجی به‌ویژه امریکا نیز به دلیل رفتارهای اخیر طالبان و تشدید جنگ و تنش در افغانستان، با انتقادهای تندی مواجه شده‌اند. باید دید که در آینده در مورد طالبان و دفتر سیاسی آنان در قطر چه اقدام عملی صورت خواهد گرفت.

می‌توانیم نتیجه بگیریم که واقعیت آن است که پروژه اسلام سیاسی در قرن بیست نتوانست یک مدل کارا و موفق برای حکومت‌داری تولید کند. عقب‌ماندگی تنوریک و پراتیک این پروژه و سیاست‌گذاران آن در امر مدیریت امور دنیوی توده‌های مسلمان باعث شد که اسلام‌یست‌های جوان به جای ساختن «بهشت موعود در روی زمین»، حتی برای «امت اسلامی» نیز جهنم بسازند.

تجربه جمهوری اسلامی ایران با روحانیت شیعی پس از انقلاب ۱۹۷۹، کارنامه جهادی‌های افغانستان در دهه ۹۰ میلادی و سپس امارات طالبان، خلافت اسلامی ابوبکر بغدادی در عراق و سوریه، سلطه الشباب در سومالی، کارنامه بوکوحرام در نیجریه و ... نمونه‌های روشنی از ناکامی پروژه اسلام سیاسی در سطوح مختلف است. طالبان هنوز توهم برپائی نظام مطلق اسلامی و اجرائی کردن «شریعت ناب محمدی» را از سر بیرون نکرده‌اند.

طالب و تفکر طالبانی یک واقعیت تلخ اما تاریخی، سیاسی و اجتماعی افغانستان معاصر است. البته با تاکید به این مورد مهم که بخش آگاه و پیشرو جامعه افغانستان اکثریت شهروندان این کشور را می‌سازند اما این شهروندان دست‌کم در یک قرن اخیر قربانی شده‌اند. اصلاحات نظام سیاسی افغانستان در صورتی می‌تواند تضمینی به صلح پایدار و پیشرفت اجتماعی افغانستان باشد که مردم بتوانند در سطوح مختلف متشکل و متحد شوند و با ابتکارات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، بتوانند گام‌به‌گام جامعه افغانستان را از این جهنم سوزان نجات دهند.

با عرص تسلیت و همدردی به بازماندگان این قربانیان و مردم آزاده افغانستان!

یکشنبه نوزدهم اردیبهشت [ثور] ۱۴۰۰ - نهم مه ۲۰۲۱

یادداشت:

جهت حفظ اصالت نگاشته، از ویراستاری آن خودداری شده است:

اداره پورتال AA-AA